چه عواملی بر نشاط اجتماعی و فردی زنان در شهر تهران اثرگذارند؟

پژوهشنده: شادی علی

نشاط یکی از ضروری ترین خواسته های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می رود که نقش عمده ای در تعالی روانی و ‏اجتماعی افراد جامعه ایفا می نماید. پژوهش حاضر با هدف شناخت وضعیت نشاط اجتماعی زنان تهران به ‏بررسی مهمترین عوامل فردی و اجتماعی موثر بر آن پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از زنان (50-20 ساله) ‏ساکن مناطق یک و دو و سه تهران بوده که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران نمونه ای با ‏حجم 1000نفر انتخاب شدند. اطلاعات لازم با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه همراه با مصاحبه گردآوری شده است. ‏پژوهش حاضر در تابستان 1398 در جامعه آماری مورد نظر اجرا شد و اطلاعات به دست آمده توسط نرم افزار آماری ‏SPSS‏ ‏تجزیه و تحلیل گردید. یافته های توصیفی پژوهش نشان می دهد افراد مورد مطالعه برحسب متغیرهای زمینه ای و خانوادگی از ‏نشاط متفاوتی برخوردار بوده اند. زنان متاهل بانشاط تر از زنان مجرد و بی همسر بر اثر فوت و طلاق بودند. ارتقای پایگاه ‏اقتصادی اجتماعی در افزایش میزان نشاط اجتماعی زنان موثر بوده است. بر حسب یافته های تحلیلی حاصل از رگرسیون ‏چندمتغیره، از میان عوامل اجتماعی، دو متغیر مقبولیت اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی و پنج مقوله ‏رضایت از زندگی، کیفیت زندگی، اعتقادات دینی، احساس عدالت اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی در مناطق شهری، بیشترین ‏سطح تغییرات نشاط اجتماعی زنان را تبیین نموده اند. براین اساس به جرات می توان ادعا نمود که نشاط اجتماعی در جامعه ‏نمونه قبل از هر چیزی تابعی از کیفیت زندگی و احساس عدالت در جامعه بوده است.‏

با توجه به اینکه نشاط جنبه ای از عواطف انسانی است که دارای تجلیات میباشد، فعالیت فرد را بر میانگیزد، بر آگاهی او می افزاید و زمینه های باروری خرد و اندیشه را بوجود می آورد همواره با خرسندی، خوش بینی، امید و اعتماد همراه است و به عنوان یکی از احساسات ریشه ای مثبت، نقش تعیین کننده ای در تأمین سلامت فرد، خانواده و جامعه دارد. نشاط یک حالت عاطفی مثبت است که با خشنودی، لذت و خرسندی مشخص میشود و با خود صفات و عالیی از جمله داشتن باورهای مثبت در مورد زندگی، هیجانات مثبت و فقدان هیجانات منفی به همراه دارد. (1) مفهوم نشاط در طول سالهای اخیر مورد علاقه روانشناسان، جامعه شناسان و متخصصان بهداشت قرار گرفته است. مطالعات نشان میدهد که جامعه شناسی و روانشناسی قرن بیستم بیشتر بر عوامل منفی مثل آسیب ها و نابهنجاریهای اجتماعی و هیجانات منفی مانند افسردگی و اضطراب تمرکز یافته است تا بر هیجانات مثبتی مانند نشاط افراد جامعه. به عبارت دیگر تعریف سلامت فردی و اجتماعی مترادف با فقدان مشکالت در جامعه و بیماریهای روانی و اجتماعی بوده است. در حالی که در دهه های بعد در تعریف سلامت، تغییر بسیاری پدید آمده است و متون مرتبط با روانشناسی سلامت و جامعه شناسی تنها به جنبه های منفی و رفع آثار منفی در افراد انسانی و جامعه محدود نمیشود. در تعریف سازمان بهداشت جهانی به سلامت از جنبه مثبت آن تأکید شده است و فردی واجد سلامت شناخته میشود که به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشد (5) از سال5000 به بعد در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها متغیرهای نشاط، امید به زندگی، خشنودی و رضامندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است، به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، خشنودی و رضامندی نکنند، نمیتوان آن جامعه را توسعه یافته (به ویژه در حوزه توسعه اجتماعی) قلمداد نمود. بنابراین نشاط یکی از شاخصهای مهم بهداشت روانی در جامعه است که به همراه نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده سرمنشاء تحرک، تالش و پویایی است ) پدیده نشاط موجب تحرک فیزیکی، شناختی، رفتاری و افزایش قابلیتها و ظرفیتهای متعددی میشود، به عنوان نمونه انسان را با کار و فعالیت درگیر میسازد و اشتیاق به جنب و جوش و هدف گرایی را تقویت میکند که این امر خود باعث افزایش نشاط بیشتر شده و از لذت گرایی های بیهوده جلوگیری میکند. آنچه بیش از همه ذهن نظریه پردازان جامعه شناسی را به خود مشغول کرده، تأثیر ساختارهای اجتماعی بر بروز هیجانات است. هالر و هادلر در بحث تأثیر ساختارها بر هیجانات و به طور خاص شادی، چهار حوزه مرتبط با هم را از یکدیگر متمایز مینمایند.

در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. بر همین اساس بی هنجاری در شرایطی پدید میآید که در حوزه های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی میشود که این امر کیفیت زندگی فرد را کاهش میدهد. علت آشکار تحقق آنومی نیز به نظر دورکیم، تحولات شتابان اقتصادی است، چرا که این تحولات نوعی بحران در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می آورد (6)

دورکیم مفهوم آنومی را واجد سه خصیصه میدانست: تشویش یا اضطراب دردناک، احساس جدایی از معیارها و استانداردهای گروه، احساس بینشانی یا فقدان هدفی معین. در این میان بیهدفی ناظر به فقدان ارزشهایی است که به زندگی جهت یا هدف بدهد. تضعیف و از دست رفتن ارزشهای درونی و اجتماعی نیز در این گونه فرعی قرار میگیرد. در معنای دیگر آنومی به عنوان تضاد هنجارها به کار رفته است. در هر صورت تضاد بین جهتگیریهای تعاونی و همیارانه و رقابتجویانه، جهتگیری فعالانه و جهت گیری انفعالی، نمونه ای از این تضادها به شمار میآید (7) آنومی میتواند باعث کاهش میزان نشاط گردد، زیرا در چنین وضعیتی فرد در برابر قواعد و سنجه های اجتماعی رفتار، سرگردان و سرگشته بوده و با توجه به این آشفتگی، فرد توان پیروی از هنجارها و قواعد اجتماعی را ندارد. در این حالت افراد احساس سرگشتگی و ابهام در تشخیص و تمییز درست و نادرست و مناسب و نامناسب کرده و در نتیجه محیط اجتماعی برای شکل گیری و رشد فردگرایی خودخواهانه و خودسریهای فردی مهیا میگردد و نفع جمعی تحت الشعاع نفع فردی قرار گرفته و نوعی بی اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و همچنین نهادهای جامعه فراهم میشود. در چنین شرایطی، سطح نشاط در جامعه نزول میکند. دورکیم درصدد بود که نشان دهد جامعه ای که افراد آن به وسیله نظامی از ارزشها و هنجارها یا به تعبیر دیگر اخلاقیات هدایت میشوند، خشنودی بیشتری از موقعیت خود در نظام دارند و این امر به نوبهی خود بر روی کیفیت زندگی افراد موثر خواهد بود. دورکیم با تأکید بر نقش روابط و همبستگی اجتماعی در کاهش معضالت و مسائل اجتماعی، بر این امر تأکید میکند که آن روابط، دست کم از دو طریق حاصل میشوند:

الف: (عضویت داوطلبانه در انجمنها و موسسات)

ب: (عضویت در یک مجمع مذهبی یا بررسی رابطه میزان سازگاری زناشویی و نشاط زنان متاهل اجتماعات مذهبی. سپس به نحوه اثرگذاری آن روابط بر پدیده احساس شادی میپردازد و اضافه میکند که آن دو نوع رابطه به دو دلیل شادی را افزایش میدهند:

(1) ابتدا عضویت نظمی اجتماعی ایجاد میکند، به طوریکه از آن طریق، فردگرایی مفرط و آنومی کنترل میشود و دوم اینکه ترکیبی متعالی معنوی ایجاد میشود که از آن طریق، تجمیع نیروهای اعتقادی و عملی انسانها، به احساس جمعی برای فهم جنبه های مختلف زندگی مبدل میشود.

(2)یکی دیگر از نظریات مطرح شده تحت رویکرد جامعه شناختی، نظریه ای است که نشاط کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعهای و نظام شخصیت جستجو کرده و با بهره گیری از چارچوب مفهومی چند بعدی که از انسان، شخصیت و جامعه در اختیار میگذارد، کم و کیف نشاط افراد را مرتبط با احساس رضایت و خشنودی آنها از حوزه های چهارگانه در سطوح فردی و جامعه ای میداند. به بیان دقیقتر این نظریه را میتوان بدین صورت خالصه کرد که منبع تأمین علقه های چهارگانه انسان : علقه ی مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی( در ارتباط تنگاتنگ با امر اجتماعی و بعبارتی حوزه های چهارگانه نظام جامعه ای است.)

طبق این دیدگاه چنانچه هر کدام از چهار خرده نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی موثر عالیق افضل (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هر کدام میتوانند موجبات نوعی احساس مثبت که هر کدام زمینه ساز شادی و نشاط افراد است را فراهم نمایند، یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است و همینطور حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام میشوند (8) به این ترتیب این نظریه در ارتباط با علقه های چهارگانه انسان به معرفی چهار حوزه و کارکردهای صحیح آنها میپردازد که از آن میان کارکرد صحیح حوزه سیاسی را تولید احساس امنیت، احساس عدالت، احساس امید و احساس خودمختاری معرفی میکند. فردی که از شادکامی بیشتری برخوردار است، آرامش و احسـاس امنیـت بیشـتر، تصمیم گیری راحت تر، میزان کار مطلوب و مشارکت بیشتر، زنـدگی سـالم و پـر انرژی و در نهایت زندگی رضایتمندانه ای دارد. یکی از عوامل موثر بر میزان نشاط انسـان، برقراری و حفظ روابط بین فردی منسـجم و داشـتن تماس اجتماعی مداوم و پایدار است. موضوع نشاط در زندگی فردی و وجود سازگاری در زندگی زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده واحدی اسـت کـه نقـش هـای اجتماعی متعددی بر عهده دارد و ارتباط متقابل اعضـای آن بـر مبنـای بنیادهـا و نیازهای فرهنگی جامعه شـکل میگیـرد. کیفیت روابط زناشویی بـر همـه ابعاد کارکرد خانواده از جمله پایداری، تـداوم، حمایـت از فرزنـدان و نشاط زوجین تاثیر دارد و متقابال نشاط نیز یکی از مهم ترین عواملی است که موجب استحکام و پایداری رابطه زناشویی می شود. تحقیقات آرجیل بیانگر آن است که رابطه زناشـویی موفق باعث نشاط و ایجـاد خلـق مثبـت در فـرد میشود (9 )و بنابرین تحقیق حاضر قصد دارد به یکی از عوامل اجتماعی مرتبط با نشاط، یعنی سازگاری زناشویی بپردازد. سازگاری زناشویی، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت بخش در بین زوجین از طریق عالقهی متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل سنجش است. سازگاری زناشویی به صورت خودکار ایجاد نمیشود و به وجود آمدن آن نیاز به تلاش زوجین دارد. صرف نظر از تمام ازدواجهایی که به طلاق منتهی میشوند، ازدواجهای ناموفق زیادی وجود دارند که به دلایل مختلف، زن و شوهرها مایل به جدایی نیستند. توماس سازگاری زناشویی را حالتی میداند که در آن زن و شوهر احساسات شادکامی و رضایت نسبت به همسر و ازدواج دارند. مسأله مهم در ازدواج، سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج است. زوجین سازگار، کسانی هستند که توافق زیادی از نوع و سطح روابط خود با یکدیگر دارند و همچنین از کیفیت گذران اوقات فراغت خود رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال میکنند. (10)

تهران پایتخت ایران است و در واقع وضعیت نشاط و سازگاری زناشویی زنان متاهل آن میتواند، نمودی از کل کشور باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه و همبستگی میزان سازگاری زناشویی و نشاط در بین زنان متاهل شهرتهران است و محقق با توجه به موضوع و عنوان تحقیق، قصد بررسی مکانیسم اثرگذاری و علیت متغیرهای مورد نظر را ندارد. نظر به جایگاه و اهمیت شهر تهران، تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است : آیا بین میزان سازگاری زناشویی و میزان نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد؟ پیشینه پژوهش بنظرگیدنز مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه ها کاهش داده است اما در عین حال خطرات و ناامنیهای دیگری را جایگزین ساخته است. از جمله عوامل تهدیدکننده شادی و نشاط، تهدیدهای خشونت آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ، متزلزل شدن ریشه های اعتماد به نظامهای انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی میباشد. همچنین از جمله عوامل تأمین کننده شادی و نشاط از نظر گیدنز میتوان به اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظامهای انتزاعی، اعتماد و وانهی امور زندگی به دست نظامهای تخصصی و دگردیسی صمیمیت و شکل گیری رابطه ناب نام برد(11) . علاوه بر بافت اجتماعی خرد، بافت اجتماعی سیاسی کالن نیز که مشتمل بر مجموعه نهادهایی است که به احقاق حقوق در جامعه میپردازند، عاملی موثر در ایجاد و حفظ احساس شادی اعضای جامعه به شمار میرود. بر اساس مطالعات انجام شده، هر چه شرایط اجتماعی اقتصادی در جامعه مساعدتر و منجر به ارضای نیازهای بیشتر شود، شادی افراد جامعه نیز بیشتر خواهد شد. در این جهت، نظریه نیاز که مازلو مطرح کرده نیز بر این نکته تأکید میکند که تفاوت جوامع در احساس شادی را میتوان به وسیله منابعی توضیح داد که آن جوامع برای برآورده شدن نیازهای اساسی خود هزینه میکنند. جوامعی با بالاترین منابع، اغلب جوامعی غنی و توانگرند. به ویژه این که منابع الزام را جهت ارضای نیازهای سطح بالا که آرامش و توانگری مضاعفی به شخص ارائه میدهند مهیا میکنند.

خانواده نهادی است که از یک سو با جامعه ی بزرگتر در تعامل است و از سوی دیگر مستقیماً با فرد در ارتباط است. اهمیت این نهاد به حدی است که برخی از صاحب نظران آنرا از ارکان اساسی جامعه به حساب می آورند و تحقق جامعه ی سالم را در گرو دستیابی با خانواده ی سالم میپندارند. یکی از مهم ترین عواملی که بر بقاء، دوام و رشد خانواده اثر میگذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضاء، به خصوص زن و شوهر است. سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اثر گذار بر عملکرد خانواده است. سازگاری زناشویی بر کیفیت عملکرد والدینی، طول عمر، میزان سلامت، رضایت از زندگی، میزان احساس تنهایی، رشد و تربیت فرزندان، روابط اجتماعی و گرایش به انحرافات اجتماعی تأثیر دارد. اما چنانچه زندگی زناشویی شرایطی نامساعد را برای ارضای نیازهای مختلف همسران ایجاد کند، نه تنها جنبه های مثبت ازدواج تحقق نمی یابد، بلکه اثری منفی و گاه جبران ناپذیر را به جا خواهد گذاشت. این اثرات منفی فقط برای همسران نیست بلکه طیف وسیعی از اختلالات را در فرزندان آنان ایجاد میکند که از میان آن میتوان به گوشه گیری، افسردگی، ضعف در شایستگی اجتماعی، ضعف درعملکرد تحصیلی و مشکالت ارتباطی اشاره کرد. خانواده نظامی فرهنگی است که تشکیل و بقای آن در گرو ازدواج زن و مرد با یکدیگر است. از آنجاییکه افراد دارای ایده ها، ارزشها، اعتقادات، باورها و آداب و رسوم هستند، خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق میدهند و تعارضها و نارضایتیها را به حداقل میرسانند.(15) در دیدگاه کنش متقابل نمادین، هدف اصلی زناشویی و ازدواج، شکل دادن حقوقی و رسمیت دادن به محرکات غریزی است که بنیان آن به شمار میرود (16)از آنجاییکه زندگی مرکب از کنش و واکنش اعضای جامعه است که با یکدیگر ارتباط نمادی دارند، کنش متقابل نمادی بر این اصل اساسی استوار است که کنشگران اعمال یکدیگر را تعبیر و تفسیر میکنند و پاسخ آنان مبتنی بر معنایی است که به آن عمل نسبت میدهند. یعنی ازدواج با توجه به معنایی که در جامعه پیدا کرده پاسخ افراد نسبت به نیاز غریزی و معنایی است که در زندگی اجتماعی دارند. برخی پژوهش ها میزان انعطاف پذیری زن و مرد در خانواده را با سطح ناسازگاری زناشویی مرتبط میدانند، زن و مرد به عنوان کنش گران خانواده، باید نسبت به اصول و تفکرات و باورهای طرفین از انعطاف و سازگاری مناسبی برخوردار باشند تا سطح تعارضات کاهش یابد. با تکیه بر تئوری کنش متقایل نمادی، انسانها با افزایش سطح انعطاف پذیری خود می توانند با "من مفعولی" خویش که وجه قضاوت کننده و کنترل کننده است بر "من فاعلی" که وجه خالق و خیالی "خود" است، غالب شوند و در پی انطباق برآیند. "مید" معتقد است: کنشگران با تلاش فکری خلاقانه و در نظر گرفتن دایره ی ارزشهای جامعه در پی اخلاقی کردن امور هستند. احساس کردن متضمن نگرش و نوعی کردار است که با تعهد قلبی همراه است و تعهد به دنبال انتخاب می آید. به عبارتی وقتی زن و مرد به صورت اخلاقی اقدام به حل مسائل و تعارضات خویش میکنند، با نگرشی سخاوتمندانه مدارا و مسامحه دارند و با بهره گیری از هوش فکورانه سعی در کنترل رفتار خود داشته، در این صورت می توانند فرایند تکامل را در جهت دستیابی به شرایط اجتماعی خانوادگی بهتر برقراری رابطه ی کارآمدتر تسریع کنند. تئوری مبادله، به رفتار عاقلانه به معنای حداکثر رساندن پاداشها و به حداقل رساندن هزینه ها و نوع ارزشها و استانداردهای حاکم بر جامعه اشارت دارد. دیدگاه کنش متقابل معتقد است که در بروز رفتارها باید به چگونگی تعامل و کنش متقابل نمادین توجه نمود. این مکتب بر ماهیت فکری و تصوری هر فرد نسبت به خودش تأکید دارد. چرا که نگرش وی مانند هر فرد دیگری در مورد تصور مثبت و منفی اطرافیان در مورد شخصیت و رفتارش تأثیر به سزایی در نحوه عمل و رفتار او دارد. این نظریه بر روی ظرفیت منحصربه فرد انسان بر خلق، دستکاری و تعدیل نمادها در هدایت رفتار خود و دیگران تأکید میکند. ازدیدگاه کارکردگرایی، خانواده دارای کارکردهای مختلف است. به نظر پارسونز، بایدبین نقش زن و مرد (هرکدام بر اساس قابلیت خود) تفکیک قائل شد تا حالت تعادل حفظ و مانع از مختل شدن جریان زندگی شود.خانواده نظامی فرهنگی است که تشکیل و بقای آن در گرو ازدواج زن و مرد با یکدیگر است. از آنجاییکه افراد دارای ایده ها، ارزشها، اعتقادات، باورها و آداب و رسوم هستند، خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق میدهند و تعارضها و نارضایتی ها را به حداقل میرسانند. این نظر را میتوان به طور عامتر به میزان عامگرایی که یکی از متغیرهای الگویی در نظام کنش پارسونز و نقطه مقابل خاصگرایی است، مطرح کرد. به عبارتی بقای سیستم خانواده مستلزم کارکرد حفظ یکپارچگی است.این کارکرد متضمن قوانین حاکم بر کنشگران (زن و مرد)، سیستم اجتماعی و هماهنگ کردن آنها با یکدیگر در خصوص عملکرد صحیح سیستم است. یکی دیگر از الزامات کارکردی پارسونز نهفتگی است که مشتمل بر دو مسئله است: کنترل تنشها (تنشها و فشارهای درونی کنشگران) و حفظ الگو (نشان دادن رفتار مناسب). در سیستم اجتماعی خانواده زن و مرد باید بتوانند ناکامیها و سایر فشارهای روحی خویش را توسط راه حلها و سازوکارهای اخلاقی به حداقل برسانند(17). یکی از ابعاد جامعه مدرن، در عرصه سیاسی تمایل به دموکراسی در جوامع بشری است. این تمایل، علاوه بر حوزه ی سیاست به دیگر حوزه های زندگی انسانی و روابط اجتماعی انسانها نیز قابل تسری است. وجود ارتباط سالم دوطرفه،اعتماد متقابل در روابط، مشارکت جمعی و فقدان خشونت از ویژگیهای دموکراسی محسوب میشود که با گسترش روند جهانی شدن، روابط و الگوهای خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده اند، بروز پدیدهای به نام «دموکراسی عاطفی» در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنبی جهانی شدن است که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بررسی رابطه میزان سازگاری زناشویی و نشاط زنان متاهل تهران فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه.1200؛ بر مبنای شاخصهای دموکراتیک شکل میگیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر میشود. نظریه پردازان معتقدند که وجود دموکراسی در روابط خانوادگی به استحکام خانواده در حوزه ی خصوصی و در نهایت به استحکام بنیانهای جامعه ای مبتنی بر مشارکت محلی در حوزه ی عمومی منجر خواهد شد. یکی از متغیرهایی که میتواند به کنترل تنشها و حفظ الگو در سیستم خانواده و روابط زوجین بینجامد، برخورداری از نشاط اجتماعی است. جامعه ای که افراد آن به وسیله نظامی از ارزش ها و هنجارها و اخلاقیات هدایت میشوند، خشنودی بیشتری از موقعیت خود دارند و این امر به نوبه خود بر روی کیفیت زندگی و سازگاری اجتماعی افراد موثر خواهد بود و متقابلا احساس مثبت که زمینه ساز شادی و نشاط افراد است را فراهم مینماید.نتایج یک تحقیق در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران نشان داد که بین میزان نشاط دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران ‏و متغیرهای احساس عدالت توزیعی، متغیر احساس محرومیت اجتماعی نسبی و متغیر بیگانگی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. با افزایش نشاط در زندگی، هیجانات مثبت در زوجین بیشتر شده و باعث میشود که مشکلات را به عنوان یک پدیدۀ مثبت ارزیابی کنند. با ارتباط متقابل مناسب که ریشه در هیجانات مثبت دارد مشکلات را حل میکنند و به رضایت در زندگی میرسند (17). یافته های دیمکپا (5010 ) نشان داد که اصطلاح سازگاری زناشویی بر توانایی زوجین برای راضی و شاد شدن و کسب موفقیت در تعدادی از وظایف خاص مربوط به ازدواج اشاره دارد. توماس، سازگاری زناشویی را حالتی میداند که در آن زن و شوهر احساسات نشاط و رضایت نسبت به همسر و ازدواج دارند. نتایج تحقیقات دهلی و لندرز (5002 )نشان داد که سازگاری زناشویی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر سالمتی زوجین و از مهمترین شاخصهای رضایت زندگی است. عابدینی در پژوهش خود نتیجه میگیرد که، مضمونهای مختلفی شادکامی بانوان هیئت علمی را به دنبال دارد که مضمونهای سازمان دهنده برابری جنسیتی، ارجحیت نگاه حرفه گرایانه، توجه به بسترهای رفاهی و معیشتی، وجود روابط صمیمانه، پرداختهای مالی بموقع و استقالل آکادمیک استخراج گردید.(18) /خاکپور1010در پژوهشی رابطه معناداری بین ساختار قدرت و مثلث سازی با سازگاری زناشویی را آشکار ساخت و نشان داد که سازگاری زناشویی توسط ساختار قدرت و مثلث سازی قابل پیش بینی میباشد. شکل ساختار قدرت خانواده و ناتوانی زوج ها برای حل تعارض رابطه زناشویی با ایجاد مثلث نقش مهمی در سازگاری زناشویی دارد.( علمی و یزدانی 1088 )در پژوهش خود به رابطة عوامل اجتماعی با میزان سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی در شهر تهران با استفاده از پرسشنامه مقیاس سازگاری زوجین گراهاماسپینر و اریک ای فیلسینگر پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی داری بین نسبت خویشاوندی، گذران اوقات فراغت مشترک، پایگاه اجتماعی اقتصادی و پایبندی به اعتقادات دینی با سازگاری زناشویی وجود داشت و همکاران بر اساس تحقیق میدانی با عنوان »رابطه شادکامی با رضایت از زناشویی خانواده های شهرتهران نشان داد که بین شادکامی با رضایت از زناشویی خانواده های شهرتهران رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بنظر دورکیم، رضایت از زندگی تابع چگونگی رابطه اجتماعی و اولویت دادن به منافع گروهی، خصلتی جمعی دارد. اخلاق برخاسته از گروه و جمع است و از طریق روابط متقابل، صمیمیت و احساس مشترک تعهد و نشاط ایجاد میشود. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می تواند به کنش متقابل و ارتباط با همنوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه ای از نگرش های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می کند. براسـاس تئوری » برابری « انـسان بـه عنـوان موجـودی عقلایی و عاطفی در مقابل محرک های بیرونی و درونـی رفتارهـای خاص از خود بروز می دهد و زمانی که احساس برابـری در مقابل پاداش ها، امکانات، تسهیلات داشته باشـد انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت داشته و پاسخ مثبـت و فعالانه نسبت به محرک های بیرونی می دهد و به تبـع آن احساس نشاط و رضایت درونی در فرد ایجـاد می شود. یکی از عوامل موثر در میزان نشاط انسـان، برقراری و حفظ روابط بین فردی منسـجم و داشـتن تماس اجتماعی مداوم و پایدار است. تحقیقات آرجیل بیانگر آن است که رابطه زناشـویی موفق باعث نشاط و ایجـاد خلـق مثبـت در فـرد میشود با توجه به آنکه با نشاط بودن نقش مهمی در زندگی انسان دارد و از خصیصه هـای لازم بـرای بهـره بـردن از زندگی و ارتقای رضایت از زندگی است. کل1.نمودار مدل نظری تحقیق بر اساس نظریه آرجیل با توجه به نتایج پژوهشهای انجام گرفته بخصوص تحقیقات و نظریه آرجیل و مدل تحلیلی فوق، فرضیه های زیر طرح شدند: -بین میزان سازگاری زناشویی و نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد.

-این میزان رضایت متقابل و نشاط زنان متاهل رابطه وجود دارد.

-بین میزان همبستگی متقابل و نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد. علمی و تفسیله 35 فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه. 1200؛ 12( 25)28 -2

-بین میزان توافق متقابل و نشاط زنان متاهل تبریز رابطه وجود دارد.

-بین میزان ابراز محبت متقابل و نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد.

-بین سن زنان متاهل تهران و سازگاری زناشوئی آنان رابطه وجود دارد. مواد و روشها تحقیق موجود به لحاظ هدف، یک مطالعه کاربردی و به لحاظ زمانی، مقطعی و از نظر گرد آوری داده ها، توصیفی از نوع پیمایش همبستگی است. ابزارگردآوری داده ها، پرسشنامه استاندارد نشاط آکسفورد بود. این پرسشنامه در سال 1181 توسط آرجیل و لو تهیه شده است و دارای 51 پرسش است که در هر پرسش فرد درباره خود از ناشادی تا شادی بسیار زیاد قضاوت میکند.اعتبار و پایایی این پرسشنامه در تحقیقات متعددی موردتایید قرار گرفته است. در ایران علی پور و نوربالا (1008 ) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ 10/0 به دست آورده اند.در مطالعه حاضر، این ضریب 80 ./بدست آمد. ابزار دیگر، پرسشنامه استاندارد سازگاری زناشویی بود. برای سنجش میزان سازگاری زناشویی از مقیاس سازگاری دو عضوی گراهام اسپانیر (1110) استفاده گردید. این مقیاس چهار بعد را میسنجد که عبارتند از رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، توافق زناشویی و ابراز محبت. این مقیاس یک ابزار 05 سؤالی برای ارزیابی کیفیترابطه زناشویی ازنظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی میکنند. اعتبار و پایایی این ابزار درایران این مقیاس درسال1395 توسط آموزگار و حسین نژاد هنجاریابی شده است. ضریب همبستگی بین نمرات زوج ها طی دوبار اجرا درکل نمرات 86 ،%مقیاس رضایت زناشویی68 ،%مقیاس همبستگی دونفری02 ،%مقیاس توافق دو نفری01 % و مقیاس ابراز محبت 61 % به دست آمده است. میزان پایایی پرسش نامه سازگاری اسپانیر 16/0 میباشد. همسانی درونی خرده مقیاس ها بین خوب تا عالی است. رضایت دو نفری 15% همبستگی دو نفری81% توافق دو نفری 10 % و ابراز محبت 52% جامعه آماری، زنان متاهل ساکن در منطقه دو تهران بودند. انتخاب نمونه با استفاده از فرمول کوکران با خطای برآورد پنج درصد و مقدار واریانس بدست آمده از طریق پیش آزمون انجام گرفت و تعداد 502 نمونه (زن متاهل)به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شد. تعریف مفهومی متغیرهای مورد مطالعه به شرح زیر میباشد: سازگاری زناشویی/ سازگاری زناشویی، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت بخش در بین زوجین از طریق علاقه ی متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل سنجش است.

نشاط وینهوون، نشاط را به درجه یا میزانی اطلاق میکند که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت میکند. به عبارت دیگر فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد.

یافته ها: سازگاری زناشوئی میانگین میزان سازگاری زناشوئی 05/20 درصد بودکه در حد متوسط به بالا قرار دارد. میزان رضایت متقابل زنان متاهل با میانگین 05/25 درصد، میزان همبستگی متقابل با میانگین 00/50 درصد، میزان توافق متقابل با میانگین 05/58 درصد، میزان ابراز محبت متقابل با میانگین50/18 درصد بدست آمد.

جدول 1 .توزیع فراوانی ابعاد سازگاری زناشوئی، ابعادسازگاری زناشوئی تعداد میانگین انحراف معیار واریانس 502: 05/25/ 50/10 18/102

-متقابل رضایت 502: 00/50 01/0 8/10

-متقابل همبستگی 502: 05/58 52/5 1/151

-متقابل توافق 502: 00/50 1/25/10

-متقابل محیط ابراز 502: 00/61 01/38/16 زناشوئی سازگاری بررسی رابطه میزان سازگاری زناشویی و نشاط زنان متاهل تهران فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه. 1200؛ 12(25 :)28 -20 36

-نشاط میزان نشاط در بین زنان متاهل با میانگین 10/21 درصد و انحراف معیار 8/18 در حد متوسط به بالا قرار داشت.

آزمون فرضیه ها فرضیه اول : بین میزان سازگاری زناشویی و نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از آزمون همبستگی r پیرسون استفاده شد. با توجه به سطح معنی داری بین سازگاری زناشوئی و نشاط برابر با 0.450 sig= و با ضریب همبستگی 0.125 R=بنابراین میتوان گفت که بین سازگاری زناشوئی و نشاط رابطه معنی دار برقراراست. جدول 2 .آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه اول سازگاری زناشوئی متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری نشاط 0/052 0/152 502

فرضیه دوم: بین میزان رضایت متقابل زوجین و نشاط زنان متاهل رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از روش همبستگی r پیرسون استفاده گردید. با توجه به سطح معنی داری بدست آمده بین رضایت متقابل و نشاط برابر با 0.124 sig= و ضریب همبستگی 0.119 R= ادعا میشود که بین رضایت متقابل و نشاط رابطه معنی دار مستقیم با شدت ضعیف برقرار است. جدول 9: آزمون همبستگی پیرسون برای فرضیه چهارم رضایت متقابل متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری نشاط 0/055 0/112 502

فرضیه سوم: بین میزان همبستگی متقابل و نشاط اجتماعی زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد. برای آزمون فرضیه از روش همبستگی r پیرسون استفاده شد. با توجه به سطح معنی داری بین همبستگی متقابل و نشاط برابر با 0.410 sig=و ضریب همبستگی 230 R= بین متغیر همبستگی متقابل و نشاط اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد. جدول 2 .آزمون همبستگی پیرسون همبستگی متقابل زوجین متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری نشاط 502 051/0 500/0

فرضیه چهارم: بین میزان توافق متقابل زوجین و نشاط زنان متاهل تهران رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از روش همبستگی r پیرسون استفاده گردید. با توجه به سطح معنی داری بین همبستگی متقابل و نشاط برابر با 047/0 sig=و ضریب همبستگی371/0 R= پس بین توافق متقابل و نشاط رابطه معنی دار وجود دارد. جدول 5 .آزمون همبستگی پیرسون توافق متقابل زوجین متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری 0.50 0.500 502 نشاط فرضیه پنجم: بین میزان ابراز محبت متقابل زوجین و نشاط اجتماعی زنان متاهل تبریز رابطه وجود دارد. برای آزمون فرضیه از روش همبستگی r پیرسون استفاده شد. با توجه به سطح معنی داری بین همبستگی متقابل و نشاط برابر با 0.490=sig=ضریب همبستگی 0.127R= باید گفت بین ابراز محبت متقابل و نشاط رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول 6 .آزمون همبستگی پیرسون ابراز محبت متقابل زوجین متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری 151/0 150/0 502 نشاط فرضیه ششم: بین سن و سازگاری زناشوئی زنان متاهل تبریز رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از روش همبستگی r پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معنی داری بین سن و سازگاری زناشوئی برابر با 0.320 sig=و با ضریب همبستگی 403.0 R= بیان میشود که بین سن و سازگاری زناشوئی رابطه معنی دار مستقیم با شدت متوسط برقرار است.

جدول 7 .آزمون تحلیل همبستگی پیرسون رضایت متقابل زوجین متغیر تعداد ضریب همبستگی سطح معناداری سن زنان متاهل 0.005 0.500 502 نتیجه گیری هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین میزان سازگاری زناشویی و نشاط در بین زنان متاهل شهرتهران بود. با توجه به یافته های تحقیق، بین علمی و تفسیر 37 فصلنامه علمی – پژوهشی زن و جامعه. 1200؛ 12( 25 :)28 -20 میزان سازگاری زناشوئی )و ابعاد آن( و میزان نشاط رابطه معنی دار وجود داشت، به این معنی که افزایش میزان نشاط زنان متاهل مورد بررسی با افزایش سازگاری اجتماعی آنان همراه بود. در واقع با این نتیجه، هدف تحقیق محقق شد. این یافته با برخی نتایج یافته ها از جمله بلاغت و همکاران همسویی دارد و قابل تعمیم میباشد. در تبیین یافته تحقیق باید گفت، نشاط یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او ایفا میکند. نشاط، چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی است. این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم گیری او اثر میگذارد. انسان اساساً موجودی اجتماعی است و همواره تمایل دارد با دیگران ارتباط داشته باشد. وقتی زوجین در تصمیم گیریهایی که بر سرنوشت آنها تأثیر میگذارد، مشارکت کنند، از احساس کارآیی و خود اثر بخشی بالایی برخوردار بوده، خود را فردی مفید، دارای آزادی عمل و دارای قدرت انتخاب در خانواده تلقی میکنند. مشارکت موجب بهره گیری از توانمندی یکدیگر گردیده، همدلی و صمیمیت را افزایش میدهد. این امر به نوبه خود، به افزایش سطح نشاط در خانواده کمک میکند و متقابلاً بر روابط اجتماعی زوجین اثر مثبت میگذارد. نشاط در عین اینکه متأثر از میزان بالای مشارکت است، به تعاملات اجتماعی بیشتر نیز منجر شده، زمینه را برای همبستگی و انسجام اجتماعی بالا در خانواده فراهم میسازد. در واقع یکی از راههای تحکیم روابط انسانی از طریق مشارکت میسر میگردد. جامعه ای که در آن میزان مشارکت، همکاری و نوعدوستی بین افراد بالا باشد، افراد در عین انجام کارهای شخصی، در پیشبرد کارهای دیگر و انجام فعالیتهای جمعی مشارکت دارند. این مشارکت جویی نوعی احساس رضایت و انرژی مثبت نسبت به خود و پیرامون در افراد ایجاد کرده و در نتیجه میزان نشاط را در سطح جامعه بالا میبرد. نشاط تک تک افراد جامعه در شبکه مبادلات بین نظام جامعه ای تحقق یافته، کم و کیف شادمانی افراد با احساس رضایت و خشنودی آنها از خود و پیرامون خود میسر میگردد . (19) افراد میتوانند در تعامل با دیگران نوعی احساس مثبت پیدا کرده، در خانواده نیز این احساس مثبت را ایجاد نمایند و این امر به نوبه خود زمینه نشاط را فراهم میسازد به این ترتیب یکی از عوامل موثر در میزان نشاط و حفظ سلامت روانی انسان، برقراری و حفظ روابط بین فردی منسجم و سازگاری زناشویی و داشتن تماس اجتماعی مداوم و پایدار است. رابطه زناشویی موفق باعث ایجاد نشاط و ایجاد خلق مثبت در فرد می شود. سازگاری زناشویی در واقع نگرشی مثبت و لذت بخش است که زن و شوهر از جنبه های مختلف روابط زناشویی دارند و یکی از مهمترین شاخص هـای رضـایت از زنـدگی اسـت. براین اساس رابطه میان نشاط و سازگاری زناشویی، رابطه ای دوطرفه است و همان گونه که افزایش نشاط بـا افـزایش سازگاری زناشـویی رابطـه دارد، افزایش سازگاری زناشویی نیز با افزایش نشاط رابطـه خواهـد داشـت. هرقدر نشاط بیشتر باشد به همان اندازه میزان سازگاری زناشویی بیشتر است و با افزایش نشاط در زندگی، هیجانات و باورهای مثبت زوجین افزایش یافته و امیدواری بالایی جهت حل و فصل سختی های اجتناب ناپذیر و ناکامی ها خواهند داشت و در نتیجه با تعامل متقابل و تبادل عاطفی، فکری و عقلی زمینه دستیابی به معانی ارزشمند زندگی و رضایت از زندگی را فراهم می آورند. نشاط زمینه ای برای رشد روانی و اجتماعی زوج و بهبود روابط زناشویی و مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی می باشد. نظر به مهمترین یافته تحقیق که بین میزان سازگاری زناشویی و میزان نشاط زنان متاهل رابطه معنی دار مستقیم وجود داشت، الزام است دست اندرکاران جامعه با تمهیداتی، از قبیل تقویت قدرت اقتصادی مردم، رفع مشکالت اقتصادی و معیشتی و نیز ارتقای سطح سرمایه اجتماعی، میزان سازگاری زناشویی و رضایت متقابل زوجین را در بین خانواده ها تقویت نموده تا حداقل از این طریق، میزان نشاط نیز افزایش یافته و به تبع آن رضایت اجتماعی افراد جامعه نیز تقویت شود. از طرفی برنامه ها و آموزش های مناسب جهت بهبود و تقویت عوامل زمینه ای سازگاری و رضایت از زندگی زوجین به منظور افزایش نشاط ارائه شود. در مورد محدودیتهای پژوهش، باید گفت که روش پیمایش به لحاظ خوداظهاری پاسخگویان در مواردی، داده های متقن بدست نمیدهد و بنابراین به جهت تعمیم نتایج و یافته های تحقیق باید احتیاط نمود. روش کیفی و حتی روش تلفیقی میتواند یک روش مهم دیگر در این مورد بکار گرفته شود. پیشنهاد میشود، میزان سازگاری زناشویی، با متغیرهای اجتماعی دیگری مانند، وضعیت اقتصادی خانواده ها، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، بهره مندی خانواده ها از رسانه ارتباطی جدید و شبکه های اجتماعی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. ملاحظات اخلاقی با پیروی از اصول اخلاقی پژوهش در مطالعه حاضر، رضایت هر کدام از پاسخگویان حاصل شده بود.

منابع:

References 1. Flowers BJ, Blaine Jolson DH. ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. Journal of Family Psychology. 1993; 7(2):176-185. https://miami.pure.elsevier.com/en/p ublications/enrich-maritalsatisfaction-scale-a-brief-research-andclinical-t. 2. Shahidi, Sh, (2010). Psychology of Happiness, Tehran: Qatreh Publishing 3. Hezar Jaribi, J and Astin Afshan, P. (2009) A study of the factors affecting social happiness (with emphasis on Tehran province). Applied Sociology, No. 33, Spring 2009, pp. 146-119. https://jas.ui.ac.ir/article\_18174\_caece d4e9cd8776360c718669f7e77bd.pdf 4. Haller, H & Hadler, M. (2006), How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness? Social Indicators Research, 75, pp, 169-216. https://link.springer.com/article/10.10 07/s11205-004-6297-y 5. Ganji, M., Rabbani, A. and Rabbani, R., (2011). Sociological approach to the feeling of happiness of heads of households in Isfahan, Social Issues of Iran, Second Year, No. 1, 39-73 http://ensani.ir/file/download/article/ 20130611084035-9824-16.pdf 6. Salimi, A. and Davari, M., (2006). Sociology of Deviance, Qom: Seminary and University Research Institute 7. Abdi, A. and Goodarzi, M., (1999). Cultural Developments in Iran, Tehran: Rawesh Publications. 8. Chalabi, M. (2009). Experimental study of personality system in Iran, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. 9. Argyle, M., (2004). Psychology of Happiness, translated by Fatemeh Bahrami et al., Tehran: University Jahad. 10. Thomas, E. J. (1977). Martial communication and decision making. New York: Free press. 11. Chalabi, M. and Mousavi, S., (2008). Sociological study of factors affecting happiness at micro and macro levels, Iranian Journal of Sociology, Volume IX, No. 1 and 2, 57-34. http://www.jsiisa.ir/article\_21802\_df236ab34dde1fab 7a82c5e53964cf56.pdf 12. Delaney, Tim (2008). Classical theories of sociology. Translation: Behrang Sedighi - Vahid Tolouei. Tehran: Ney Publishing. 13. Tavassoli, Gholamabbas (2003). Sociological Theories. Tehran: Samt Publications. 14. Dehle, C., Landers, J. E. (2005). Personality traits and social support in marriage. Journal of social and clinical psychology, 24(7), 1051-76. https://guilfordjournals.com/doi/pdf/1 0.1521/jscp.2005.24.7.1051 15. Elmi, M. (2013), Analysis of factors explaining the social Happiness of students of Islamic Azad University of Tabriz Branch with regard to the variables of distributed justice, relative social deprivation and social alienation, research project, Islamic Azad University of Tabriz 16. Amiri Majd, M., and Zari Muqaddam, F. (2010). The Relationship between Happiness and Marital Satisfaction among Culturally Employed and Housewives in Arak. Behavioral Science Quarterly, Summer, 2 (4), 21-9 https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPa per.aspx?id=129925 17. Vanlaningham, J, Johnson, D., & Amato, Paul. (2001) Marital happiness, marital duration and the u-shaped curve Socialforces (pp 1313- 1341). North Carolina: University of North Carolina press. 18. Abedini, M. (2020) Phenomenological study of female happiness themes of faculty members of Mazandaran University, Journal of Women and Society, Year 11, Issue 2, Summer 2020. http://jzvj.miau.ac.ir/article\_4192\_05cd8 5073b2fce6018de6399dac83452.pdf 19. Khakpour, Iman (2012). Predicting marital adjustment based on power structure and triangulation in the family, thesis. Government - Ministry of Science, Research, and Technology - Teacher Training University - Tehran - Faculty of Psychology and Educational Sciences. Master. Supervisor: Ali Mohammad علمی و تفسیله 39 فصلنامه علمی – پژوهشی زن و جامعه. 1200؛ 12( 25 :)28 -20 Nazari Advisor: Kianoosh Zahrakar | Author: Iman Khakpour 20. Elmi, Mahmoud; Yazdani, Karim (2019) A Study of Social Factors Related to Marital Adjustment among Married Middle School Teachers in Marand Journal: Sociological Studies. 21. Belaghat, S, Ebrahimzadeh Asmin, H, Mousavinejad, S, Khazaei, Z, Mahmoudvand, M. (2013) The relationship between happiness and marital satisfaction among families in Zahak city, Cultural and Educational Quarterly of Women and Family, Year 7, Issue22, Spring 92. http://ensani.ir/fa/article/journalnumber/38041 Mirshah Jafari, A, Abedi, M, (2012). Happiness and its effective factors, New Cognitive Science Quarterly, No. 3, 50- 58. http://ensani.ir/fa/article/30836 22. Alipour, A., Noorbala, A, (1999). A Preliminary Study of the Reliability and Validity of the Oxford Happiness Questionnaire in Tehran University Students, Quarterly Journal of Thought and Behavior, Fifth Year, Nos. 1 and 2, 55-64. http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1- 1777fa.html. 23. Sanaei Baqir (2000). Family and MarriageScales First Edition, Te